



# توبه

## چشمه زلال طهارت

تقوی-صادقی

### مفهوم توبه

«توبه» از ریشه «ت و ب» به معنی رجوع و بازگشت از گناه است،<sup>۱</sup> و در علم اخلاق برای آن تعاریف زیادی بیان شده، از جمله: «رجوع از طبیعت به سوی روحانیت نفس بعد از آنکه به واسطه معاصی و کدورت نافرمانی، نور فطرت و روحانیت محجوب به ظلمت طبیعت شده است.»<sup>۲</sup>

نفس انسان در ابتدا همچون صفحه‌ای سفید و خالی از هر نقش و نگاری است و نور فطرت، استعداد رسیدن به کمالات روحانی را در او مهیا نموده است؛ ولی به واسطه ارتکاب معاصی در دل کدورت و

سیاهی به وجود می‌آید. توبه باعث می‌شود که انسان از این ظلمتها و کدورت‌های طبیعی به سوی فطرت اصلی خود باز گردد و راه کمال و سعادت را در پیش گیرد و اگر انسان پس از ارتکاب معاصی توبه ننماید، رفته رفته تمام صفحه قلب او تیره و تار می‌شود و راهی برای فلاح و رستگاری باقی نمی‌ماند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«اِذَا أَذْنَبَ الرَّجُلُ حَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ

۱. لسان العرب، ابی فارس، ماده ت و ب؛ تاج

العروس، زبیدی، ماده ت و ب.

۲. چهل حدیث، امام خمینی رحمته الله علیه، نشر فرهنگی

رجاء، ص ۲۳۱ - ۲۳۲.

کرده و سپس آن را پیدا می‌کند، خوشنود می‌شود.»

از اینرو، اگر این واژه مهم به طور صحیح تفسیر و در زندگی مورد استفاده واقع شود، تأثیرات و آثار و برکات بسیاری از نظر فردی و اجتماعی به همراه دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

الف. بخشش گناهان: امیر مؤمنان،

علی علیه السلام می‌فرماید: «التَّوْبَةُ مُحَاةٌ؛<sup>۴</sup> توبه پاک‌کننده [گناهان] است.»

و در جای دیگر می‌فرماید: «بِالتَّوْبَةِ تُمَحَّصُ السَّيِّئَاتُ؛<sup>۵</sup> به وسیله توبه گناهان پاک می‌شود.»

ب. امید به آینده: یکی از مهم‌ترین آثار روانی و اجتماعی توبه این است که شخص گنهکار را نسبت به ترک گناه و اصلاح نفس و در پیش گرفتن راه خیر و سعادت امیدوار می‌نماید؛ چه اینکه اگر چنین امیدی در او زنده

فَأَنْ تَابَ انْمَحَتْ وَإِنْ زَادَتْ زَادَتْ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ فَلَا يُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا؛<sup>۱</sup> هنگامی که شخصی مرتکب گناه می‌شود، در قلب او نقطه سیاهی به وجود می‌آید، پس اگر توبه کند، از بین می‌رود و اگر گناهان او زیاد شود، آن قدر [آن نقاط سیاه] زیاد می‌شود که دیگر رستگار نخواهد شد.»

### آثار و برکات توبه

«توبه» از جمله آموزه‌های مهم اخلاقی است که در آیات و روایات بسیاری مورد توجه و اهتمام واقع شده؛ به حدی که در متون روایی ابواب خاصی به این موضوع اختصاص یافته است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛<sup>۲</sup> «ای مؤمنین! همگی به سوی خدا توبه کنید، امید است که رستگار شوید.»

همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ أَشَدَّ قَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَصْلَلَ رَاحِلَتَهُ وَزَادَهُ فِي لَيْلَةٍ ظُلْمَاءٍ فَوَجَدَهَا؛<sup>۳</sup> به درستی که خداوند به واسطه توبه بنده‌اش بیشتر از کسی که در یک شب ظلمانی مرکب و زاد و توشه‌اش را گم

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۱.

۲. نور، ۳۱/۱.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۵.

۴. غررالحکم، آمدی، مکتب اعلام اسلامی، ص ۱۹۵.

۵. غررالحکم، ص ۱۹۵.

نگردد، بیشتر و بیشتر در مسیر شقاوت قدم برمی‌دارد و به فساد و تباهی می‌پردازد و این کار علاوه بر آثار سوء فردی، اثرات مخرب و ویرانگر اجتماعی نیز به دنبال دارد.

خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»<sup>۱</sup> «بگو ای بندگانی من - که بر نفسهای خود اسراف و ستم کرده‌اید - از رحمت خداوند نومید نشوید که خداوند همه گناهان را می‌آمرزد.»  
آیاتی از این قبیل روح امید را در انسان نگه می‌دارد تا با توبه و استغفار راه حق را در پیش گیرد.

**ج. رضای الهی:** روشن است که «توبه» یکی از راههای اصلاح و طهارت باطنی است. از اینرو، مورد رضایت و خوشنودی خداوند است. خداوند سبحان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»<sup>۲</sup> «همانا خداوند توبه‌کنندگان و پاکیزه‌کنندگان [خود] را دوست دارد.»

**د. زمینه ساز تکامل:** بدیهی است که برای پیمودن قلّه‌های پرفراز و نشیب

تکامل و سعادت لازم است در ابتدا نفس را از قیود و شوائب مادی و آثار سوء گناهان و معاصی رها سازیم و آن را همچون پرنده‌ای که از قفس آزاد می‌شود، به پرواز در آوریم. توبه از جمله آموزه‌هایی است که نفس را برای چنین پرواز و تکاملی مهیا می‌سازد. خداوند می‌فرماید:

«فَمَنْ يَكْفُر بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ»<sup>۳</sup> «پس کسی که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، در حقیقت به دستگیره‌ای محکم چنگ زده است.» در این آیه کفر ورزیدن به طاغوت بر ایمان آوردن به خداوند مقدم شده است؛ چراکه برای ایمان آوردن به خداوند لازم است از تمام طاغوت‌های برون و درون مبرا شویم<sup>۴</sup> و به قول شاعر «شستشو می‌کن و آنکه به خرابات حرام».

### توبه حقیقی

یکی از مشکلاتی که همواره

۱. زمر / ۵۴.

۲. بقره / ۲۲۲.

۳. بقره / ۲۵۶.

۴. ر.ک: میزان، علامه طباطبایی، مؤسسه

الاعلمی، ج ۲، ص ۳۴۴.

**خداوند به واسطه توبه  
بندهاش بیشتر از کسی که  
در یک شب ظلمانی مرکب  
و زاد و توشه‌اش را گم کرده  
و سپس آن را پیدا می‌کند،  
خشنود می‌شود**

اطلاق کند، به یقین نامی بی‌مسماً خواهد بود. دو رکن توبه عبارت‌اند از:  
الف. پشیمانی: مهم‌ترین رکن توبه پشیمانی از گناه است، و این پشیمانی مرهون درک عمیق از ماهیت گناه و زشتی و پلیدی آن است. امیرمؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ تَدِمَ فَقَدْ تَابَ؛ کسی که پشیمان شود به تحقیق توبه کرده است.»

ب. عزم بر ترک: رکن دوم توبه تصمیم بر ترک گناه در آینده است؛ چرا که صرف اظهار ندامت برای تحقق توبه حقیقی کافی نیست و لازم است

دامن‌گیر جوامع بشری بوده است، منحرف شدن برخی واژه‌ها از مفهوم حقیقی آنها است و در موارد بسیاری با منحرف شدن واژه‌ها و ارائه تفسیری ناصواب از آن، انسانها به انحراف کشیده شده‌اند؛ به عنوان نمونه «زهد» که یکی از واژه‌های زیبا و پرمفهوم اسلامی است، با انحراف در برخی از جوامع و فرهنگها به «رهبانیت» تفسیر شده و بلای جان بسیاری از انسانها گردیده است. «توبه» نیز از این امر مستثنا نبوده و با انحراف از مسیر واقعی خود باعث گمراهی و تباهی برخی جاهلان شهوت پرست گردیده است؛ چرا که توبه را بدون در نظر گرفتن ارکان و شرائط تفسیر کرده‌اند که در این صورت، چیزی بیش از لقلقه زبان نخواهد بود. پس لازم است در ادامه، ارکان و شرائط توبه بیان شود تا بتوان توبه حقیقی را از توبه غیرحقیقی باز شناخت.

### ارکان توبه

توبه دارای دو رکن است که بدون آن دو هیچ‌گاه توبه حقیقی محقق نخواهد شد و اگر کسی نام توبه را بر آن

کمال توبه که در دو مرحله به ذکر آن می پردازیم:

### الف. شرائط قبول

شرائطی که برای قبولی و پذیرش لازم و ضروری است، دو امر است:

۱. پرداخت نمودن حقوق مردم: در صورتی که انسان اموال و حقوق دیگران را پایمال کند، برای توبه لازم است که تمام اموال و حقوق دیگران را به آنان برگرداند.

پیرمردی از قبیله نخع می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: من از زمان حجاج تا به امروز همیشه حاکم [بیر مردم] بوده ام، آیا برای من توبه ای هست؟ امام علیه السلام ساکت شدند و جوابی نفرمودند، من دوباره از ایشان سؤال کردم، در جواب فرمودند: «لا، حتی تُؤدِّيَ اِلَى كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ»<sup>۱</sup>، تا اینکه حق هر صاحب حقی را به او برگردانی.»

۲. پرداخت نمودن حقوق خداوند: از

شخص از گذشته خویش پشیمان شود و به طور جدی قصد کند که در آینده مرتکب چنین کار زستی نشود. امیر بیان، علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«التَّوْبَةُ نَدْمٌ بِالْقَلْبِ وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَتَرْكُ بِالْجَوَارِحِ وَأُضْمَارُ أَنْ لَا تَعُودَ»<sup>۱</sup> توبه پشیمانی قلبی، و استغفار [و طلب غفران] زبانی، و ترک با [اعضاء و] جوارح و عزم بر بازگشت نمودن [بر فعل] است.»

آری، صرف گفتن «استغفرالله» به تنهایی هیچ گاه نمی تواند انسان را از عواقب گناه دور سازد و آثار سوء آن را شستشو دهد؛ چنان که با گفتن حلوا هیچ گاه دهان شیرین نمی شود. امام باقر علیه السلام می فرماید: «الْمَقِيمُ عَلَى الذَّنْبِ وَهُوَ مُسْتَغْفِرٌ مِنْهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ»<sup>۲</sup> کسی که بر گناه خود پابرجاست [و عزم بر ترک آن ندارد] در حالی که بازبان از آن استغفار می کند، مانند مسخره کننده است.»

توبه بر لب دل پراز شوق گناه

این گنه را خنده می آید ز استغفار ما

### شرائط توبه

شرائط توبه دو گونه اند: برخی، شرائط قبول توبه اند و برخی، شرائط

۱. همان، ص ۱۹۴.

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۴۱، ح ۷۵.

۳. اصول کافی، دارالاضواء، ج ۲، ص ۲۳۱؛

بحار الانوار، همان، ج ۷۲، ص ۳۲۹.

چنان که تحصیل و تلاشهای علمی شبانه روزی بسیار سخت و طاقت فرسا است، ولی با در نظر گرفتن نتایج مهم و ثمرات گران بهای آن، تحملش آسان و چه بسا شیرین می‌گردد. از اینرو، اداء حقوق مردم و حقوق خداوند اگر چه ممکن است کار دشواری باشد، ولی با در نظر گرفتن نتایج مهم آن، که همان رهایی از دره هولناک هلاکت و آتش دوزخ و وارد شدن در اقیانوس بی‌کران رحمت الهی و متنعم شدن از نعمتهای ابدی است، بسیار آسان خواهد بود.

امام راحل رضی الله عنه در این باره می‌نویسد: «ای عزیز! مبادا شیطان و نفس اماره وارد شوند بر تو و وسوسه نمایند و مطلب را بزرگ نمایش دهند و تو را از توبه منصرف کنند و کار را بر تو یکسره نمایند... راه حق سهل است و آسان، ولی قدری توجه می‌خواهد. اقدام باید کرد. با تسویف و تأخیر امر را گذراندن و بار گناهان را هر روز زیاد کردن، کار را سخت می‌کند، ولی اقدام در امر و عزم بر اصلاح امر و نفس، راه

دیگر شرایط توبه که بسیاری از توبه کنندگان از آن غافل‌اند، پرداخت نمودن حق خالق است؛ چرا که برخی گناهان، حاصل ترک نمودن و کوتاهی کردن در انجام برخی واجبات است که باعث عقوبت الهی می‌شود. در این صورت، اگر انسان گنهکار از کردار خود پشیمان شود، لازم است حقوقی را که برای خداوند به جهت ترک واجبات بر عهده او آمده، ادا نماید.

البته، ذکر این نکته ضروری است که ممکن است برای برخی انسانها اداء نمودن حقوق مردم و یا حقوق خداوند سخت و دشوار جلوه کند و سبب شود که آن شخص به دره هولناک نومیدی و یأس وارد شود و از مسیر خودسازی و اصلاح نفس باز ماند. از اینرو، باید توجه داشت که اولاً: برخی امور اگر چه به ظاهر سخت و دشوار است، ولی با توکل بر خداوند و تصمیم و اراده جدی بر انجام آنها می‌توان بر آنها فائق آمد.

ثانیاً: برخی امور مشکل، وقتی نسبت به نتیجه‌های مهم آنها سنجیده شود، آسان و قابل تحمل خواهند بود؛

را نزدیک و کار را سهل می‌کند.<sup>۱</sup>

ب. شرائط کمال:

علاوه بر شروطی که برای صحت توبه بیان شد، شرائط دیگری هم وجود دارند که سبب کمال بخشیدن و بالا رفتن عیار توبه می‌شوند، و در ذیل حدیثی از امیر مؤمنان، علی علیه السلام به آنها اشاره شده که در ادامه به ذکر حدیث می‌پردازیم.

شخصی در محضر علی علیه السلام گفت:

«استغفر الله». امام به او فرمود: «تَكَلَّمْتُكَ أَتُكِّدُ مَا الْإِسْتِغْفَارُ؟» مادرت به عزایت گریه کند، آیا می‌دانی استغفار چیست؟ إِنَّ الْإِسْتِغْفَارَ دَرَجَةُ الْعَالِيَيْنَ وَهُوَ إِسْمٌ وَقَعَ عَلَى سِتَّةٍ مَعَانٍ: أَوَّلُهَا التَّوَدُّعُ عَلَى مَا مَضَى، الثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعَوْدِ إِلَيْهِ أَبَدًا؛ همانا استغفار درجه‌علیین است و آن اسمی است که به شش معنی واقع می‌شود: اوّل آنها پشیمانی بر گذشته است. دوم، عزم بر برگشت نمودن به آن گناه تا ابد است. وَالثَّالِثُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَمَلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ، الرَّابِعُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ صَبَّغْتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا؛ سوم اینکه حق مخلوقات را اداء کنی تا خدا

را پاکیزه ملاقات کنی و حقی از مخلوقات بر عهده تو نباشد. چهارم اینکه به سوی هر فریضه‌ای که ضایع کرده‌ای روی آوری و حق آن را اداء کنی. وَالْخَامِسُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي تَبَتَّ عَلَى السُّخْتِ فَتُدْبِيَهُ بِالْأَخْزَانِ حَتَّى تَلْصَقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَيَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ. وَالسَّادِسُ أَنْ تُدَيِّقَ الْجَنَسِمَ أَلَمَ الطَّاعَةَ كَمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمَغْصِيَةِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ؛ پنجم اینکه به سوی گوشتی که به واسطه حرام روییده شده روی آوری و آن را به واسطه اندوه‌ها آب کنی تا پوست به استخوان بچسبد و گوشت تازه بین آنها روییده شود. و ششم آنکه درد و رنج فرمان برداری را به جسم بچشانی؛ چنان که شیرینی معصیت را به آن چشانده بودی.<sup>۲</sup>

در این حدیث شریف حضرت علی علیه السلام به شش امر اشاره فرموده است که با توجه به روایات دیگر باب توبه می‌توان گفت دو امر اوّل همان دو رکن اساسی توبه است، و دو امر بعدی شرائط قبول توبه‌اند، و دو امر آخر از

۱. چهل حدیث، امام خمینی علیه السلام، ص ۲۳۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۰۹.

شرائط کمال توبه می باشند.

### تسویف، مکر شیطان

پس از آنکه شیطان به خاطر مخالفت امر خداوند از بهشت برین رانده شد، قسم یاد کرد که بندگان خدا را گمراه خواهد کرد: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا غُورِيَّتَهُمْ أَجْمَعِينَ»<sup>۱</sup> «[شیطان] گفت: پس به عزت سوگند! که همه و همه آنها را گمراه خواهم کرد.» و از آنجا که توبه، حصن حصین و راه مستقیم سعادت گنجهکاران است، لذا خوشایند شیطان رجیم نیست. از اینرو، با استفاده از جنود خود در کمین انسان نشسته است تا او را از انجام توبه و پاک سازی نفس باز دارد و به بلای ایمان سوز «تسویف» دچار سازد؛ به این معنی که او را به انجام گناه ترغیب می کند، به این خیال که بعداً وقت برای توبه بسیار است؛ لذا در ادعیه و روایات نسبت به آن بیم داده شده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه ای به یکی از اصحابش می نویسد: «فَتَدَارِكْ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَلَا تَقْلُ عِدًّا بَعْدَ عَدُوِّ فَاتِّمَّا هَلْكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِي وَ التَّسْوِيفِ حَتَّى أَتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَغْتَةً وَهُمْ غَافِلُونَ

فَتَقُولُوا عَلَى أَعْوَادِهِمْ إِلَىٰ قُبُورِهِمُ الْمُظْلَمَةَ الصَّيِّفَةَ وَقَدْ أَسْلَمَهُمُ الْوَالِدُ وَالْأَهْلُونَ؛<sup>۲</sup> پس باقی مانده عمرت را دریاب و نگو فردا بعد از فردا [چنین خواهم کرد.] همانا انسانهای قبل از تو به خاطر آرزوها و به تأخیر انداختن آنها هلاک شدند تا ناگهان امر خدا (مرگشان) فرارسید و آنها غافل بودند، پس به روی چوبهایشان (تابوتهایشان) به سوی قبرهای تاریک و تنگ خود منتقل شدند و فرزندان و خویشاوندانشان آنها را تسلیم [گور] کردند.»

### توبه بی ثمر

چنان که از آیات و روایات استفاده می شود، توبه انسان در دو موضع پذیرفته نیست:

۱. در همین دنیا هنگامی که کیفر و عذاب الهی و یا لحظه مرگ رسیده باشد. خداوند متعال می فرماید: «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ»<sup>۳</sup> «برای کسانی که کارهای بد

۱. ص ۸۲/

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۷۵-۷۶.

۳. نساء/۱۸.



توبه او پذیرفته خواهد شد؛ چنان که در روایات اسلامی به این نکته تصریح شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «اذا بَلَغَتِ النَّفْسُ هَذِهِ - وَأَهْوَى بِيَدِهِ أَلَى حُنْجَرَتِهِ - لَمْ يَكُنْ لِلْعَالَمِ تَوْبَةً وَكَانَتْ لِلْجَاهِلِ تَوْبَةً»<sup>۱</sup> - زمانی که جان به اینجا برسد - اشاره فرمود به گلویش - برای کسی که علم [به مرگ] داشته باشد توبه نیست، ولی برای جاهل [به مرگ] توبه هست [و توبه اش پذیرفته می شود].»

۲. موقف دوم جهان آخرت است، جهانی که دار جزاء است نه دار تکلیف و لذا هیچ توبه ای پذیرفته نمی شود و فقط جای برداشت نمودن کشت و زرع این دنیا است و دیگر فرصتی نیست که بذر توبه را کاشت و ثمره آن را که غفران الهی است، برداشت نمود. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می فرماید: «أَلَيْتُمْ عَسَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ وَغَدَاً حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ؟»<sup>۲</sup> امروز (این دنیا) جای عمل است و حسابی در کار نیست، ولی فردا

انجام می دهند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید: الان توبه کردم، توبه ای نیست.»

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام و یارانش در موقع هجرت به دریا رسیدند، به معجزه آن حضرت دریا شکافته شد و همگی توانستند به سلامت عبور کنند. فرعون و یارانش که در تعقیب آنها بودند، از پی آنها رفتند؛ ولی ناگهان دریا به حالت اول بازگشت و فرعون و یارانش در میان آب گرفتار شدند. در هنگام غرق شدن، فرعون گفت: «آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»<sup>۱</sup> «ایمان آوردم که خدایی نیست جز همان خدا که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند و من نیز از تسلیم شدگانم.» خطاب آمد: «الآن وَقَدْ عَصَيْتَ مِن قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»<sup>۲</sup> «الان؟! در حالی که قبلاً نافرمانی کردی و از مفسدان بودی.»

البته، ذکر این نکته ضروری است

که اگر کسی بدون اینکه علم به مرگ خود داشته باشد، توبه نماید و از روی اتفاق بلافاصله بعد از توبه اش بمیرد،

۱. بونس/۹۰.

۲. بونس/۹۱.

۳. بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۲.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۴۳.

را فرستاد و به او سفارش کرد که برگردد، کنیز به درون خانه رفت و پس از برگشتن، گفت: ای خاتون! این غوغایی که می‌شنوی، غوغا برای مردگان نیست، بلکه غوغای زندگان ماتم زده است. وقتی این سخن را شنید، همگی به درون خانه رفتند، واعظی را دیدند که در جایی نشسته و جمعی گرد او نشسته‌اند و واعظ آنها را موعظه می‌کند و از عذاب خدا می‌ترساند و ایشان همگی به گریه و زاری مشغول‌اند.

در این هنگام بود که واعظ این آیه را تفسیر می‌کرد: «إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهُمْ تَغِيظًا وَزَفِيرًا وَإِذَا أَلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَبْحًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَا لِكَ مُبْرَأِهِ»<sup>۱</sup> «چون [آتش دوزخ] آنان را از مکانی دور ببیند، خروش و فریاد وحشتناک و خشم آلود او را که با نفس زدن شدید همراه است، می‌شنوند و هنگامی که در مکان تنگ و محدودی از آن افکنده می‌شوند در حالی که در غل و زنجیرند، فریاد و اوایلای آنها بلند

(روز قیامت) روز حساب است و برای عمل جایی نیست.»

چه نیکوست که در پایان به مواردی چند از داستانهای اشاره کنیم که برخی انسانها در اوج معصیت و گناه، به درگاه خداوند توبه نموده و راه پاکسی و طهارت نفس را در پیش گرفته‌اند و از این طریق از گرداب هلاکت نجات یافته‌اند و غفران الهی شامل حالشان شده است. امید است که سرگذشت آنان درس عبرتی برای ما باشد.

### اثر یک آیه

در بصره زنی به نام «شعوانه» زندگی می‌کرد که مجلسی از فسق و فجور منعقد نمی‌شد مگر اینکه او در آنجا حضور داشت. روزی با جمعی از کنیزان خود از کوچه‌های بصره می‌گذشت که صدای فغان و فریاد از درون خانه‌ای به گوش رسید، گفت: سبحان الله! چه غوغای عجیبی در اینجا است. پس کنیزی را به درون خانه فرستاد تا از ماجرا مطلع شود. کنیز رفت، ولی برنگشت. کنیز دیگری را فرستاد، او نیز برنگشت. کنیز دیگری

۱. فرقان/۱۲-۱۳.

می شود.»

شعوانه چون این سخنان را شنید، بسیار متأثر شد و گفت: ای شیخ! من یکی از روسیاهان درگاه خداوندم، اگر توبه کنم آیا خداوند مرا می آمرزد؟ جواب داد: اگر توبه کنی خدای متعال تو را می آمرزد، اگر چه گناه تو مثل گناه شعوانه باشد. شعوانه گفت: شعوانه منم، آیا آمرزیده می شوم؟ واعظ گفت: خدای متعال ارحم الراحمین است و اگر توبه کنی، توبهات را می پذیرد.

پس از آن شعوانه توبه کرد و کنیزان خود را فروخت و به عبادت پروردگار مشغول شد و دائم به ریاضت مشغول بود؛ به طوری که بدنش به نهایت ضعف رسید. روزی به بدن خود نگریست و گفت: آه! در دنیا به این گداختگی و رنجوری شدم، نمی دانم در آخرت حالم چگونه خواهد بود؟ ندایی به گوش او رسید و به او مژده قبولی توبه اش داده شد.<sup>۱</sup>

نیامد بدین در کسی عذر خواه

که سیل ندامت نشستش گناه

پندهای عبرت انگیز

مردی نزد یکی از عرفا و بزرگان

آمد و به او گفت: من گنهکارم و بر خود ظلم بسیار کرده‌ام، مرا نصیحت کن تا از آن پند بگیرم و از معاصی خود دست کشم. مرد دانشمند گفت: اگر پنج خصلت را قبول و بر آن قدرت داشتی، هر چه می خواهی انجام بده «أَمَّا الْأُولَىٰ فَاذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعَصِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا تُكَلِّمْ رِزْقَهُ؛ اول اینکه: اگر خواستی خدای عزیز و جلیل را معصیت کنی از رزق و روزی او استفاده نکن». آن مرد گفت: چگونه می توانم چنین کنم و حال آنکه هر چه روی زمین است از آن خداست! گفت: اما دوم: «اِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعَصِيَهُ فَلَا تُسْكَنْ شَيْئًا مِنْ بِلَادِهِ؛ اگر خواستی خدا را نافرمانی کنی، در هیچ یک از بلاد و سرزمینهای او زندگی نکن». آن مرد گفت: ما بین مشرق و مغرب برای خداست، چگونه می توانم در دیار او زندگی نکنم.

گفت: اما سوم: «إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَعَصِيَهُ وَ أَنْتَ تَخْتَرِزِقَهُ وَ فِي بِلَادِهِ، فَانظُرْ مَوْضِعًا لَا يَسْرَاكَ فِيهِ مُبَارِزًا لَهُ فَاغْصِبْ فِيهِ؛ اگر خواستی خدا را معصیت کنی و حال

۱. معراج السعادة، ملا احمد نراقی، ص ۵۳۴.

لِيَقْبِضَ رُوحَكَ فَقُلْ لَهُ: أَخْزِنِي حَتَّى أَتُوبَ  
تُوبَةً نَصُوحًا؛ هنگامی که ملک الموت  
برای قبض روح آمد، به او بگو: به  
من مهلت بده تا توبه نصوح کنم». آن  
مرد گفت: او از من قبول نخواهد کرد.  
مرد دانشمند گفت: حال که  
نمی توانی از ملک الموت مهلت  
بگیری، چگونه امید خلاصی و رهایی  
داری؟ پنجم اینکه: «إِذَا جَاءَتْكَ الرَّيَّاتِيَّةُ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِيَأْخُذُوكَ إِلَى النَّارِ فَلَا تَذْهَبِ  
مَعَهُمْ؛ هنگامی که فرشتگان مأمور  
دوزخ آمدند تا تو را به طرف آتش  
ببرند، همراه آنها نرو.» آن مرد گفت:  
آنها مرا رها نمی کنند.

مرد عارف گفت: پس چگونه امید  
نجات داری؟ آن شخص منقلب شد و  
گفت: «حَسْبِي، حَسْبِي، أَنَا أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ  
إِلَيْهِ؛ کافی است، کافی است، من از خدا  
طلب بخشایش می نمایم و به سوی او  
توبه می کنم.» آن شخص بعد از آن تادم  
مرگ با آن عالم ملازم بود و خدا را  
عبادت می کرد.<sup>۱</sup>

باقی مانده عمرت را دریاب  
و نگو فردا بعد از فردا [چنین  
خواهم کرد.] همانا  
انسانهای قبل از توبه خاطر  
آرزوها و به تأخیر انداختنها  
هلاک شدند تا ناگهان امر  
خدا (مرگشان) فرا رسيد و  
آنها غافل بودند

آنکه تحت روزی و در ملک او هستی،  
مکانی را انتخاب کن که خداوند تو را  
- در حالی که به مبارزه با او  
برخواسته ای - نبیند، پس در آن مکان  
او را معصیت و نافرمانی کن.» او گفت:  
چگونه این کار را انجام دهم، در حالی  
که خداوند از تمام اسرار آگاه است!

عارف گفت: حال که نمی توانی  
این امور را انجام دهی، پس چهارمین  
کار را انجام بده: «إِذَا جَاءَ مَلِكُ الْمَوْتِ

۱. کتاب التوابعین، موفق الدین مقدسی،  
دارالکتب العلمیة، ص ۲۸۵ - ۲۸۶.